

تهیه و پژوهش از ظاهر دقیق

شکله گیری فرهنگ

قسمت ۵



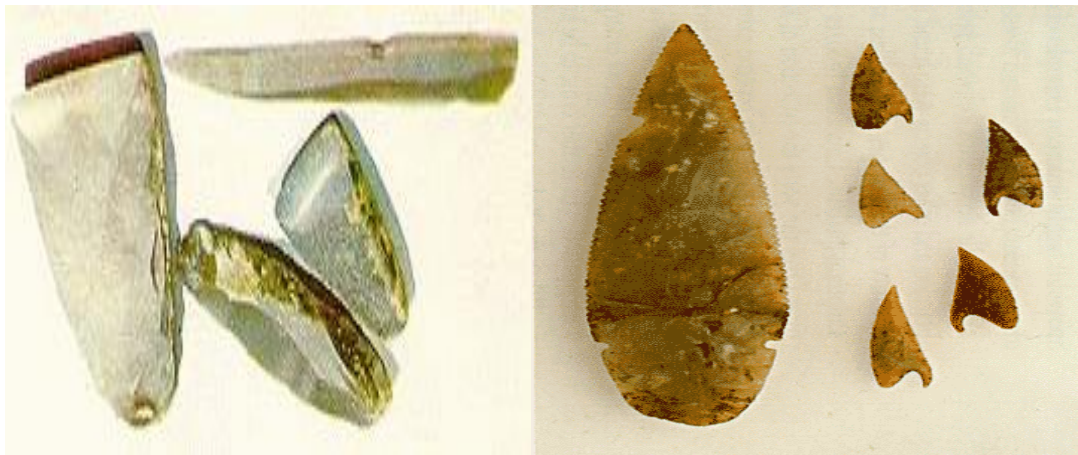
ظاهر دقیق

۵- عصر فلزات

در عصر نوسنگی، سنگ فندک (چقماق) مساعد جهت تهیه افزار باندازه کافی وجود نداشت و نا یابی آن عملاً محسوس بود. بدین لحاظ، انسانها معدن را تا به عمق ۸ متر میشکافتند و سنگ فندک را از عمق زمین بیرون میآوردند. و این یک عمل مخوف بود. باستان شناسان در هنگام کاوش یکی ازین

معدنها، اثرات اجساد یک کارشناس و فرزند او را کشف نمودند که در اثنای فروپاشی معدن به شهادت رسیده بود ند.

صنعتگران بدوی در جستجوی انواع جدید سنگ بودند که برای تهیه افزار مفید و ثمربخش میبود. ایشان بعضی اوقات با سنگهای سخت و سبز بر میخوردند. او را بالای شعله آتش درتتوری می گذاشتند تا اینکه شکاف و یا انشعاب درسنگ رونما گردد. اما، سنگهای شگفت انگیز درآتش قوی وشدید نمی ترکید بلکه ذوب میگردید. زمانیکه آتش خاموش میگردید، این سنگها دوباره سخت میگردید، از خاکستر آنها، توته های صیقلی و جلادار مس را استخراج مینمودند.



تصاویری از انواع سنگهای مخلوط با مس

چنین فرضیه ای وجود دارد، اولین فلزی که انسان در عصر نو سنگی با او برخورد نمود طلای بومی بود. بعداً، انسانها فلزات مانند: حلبی، نقره، سرب و متعاقباً آهن را اختراع نمودند. در شروع استحصال مس – فلز نرم را آموختند که در حرارت بسیار کم ذوب میگردد.

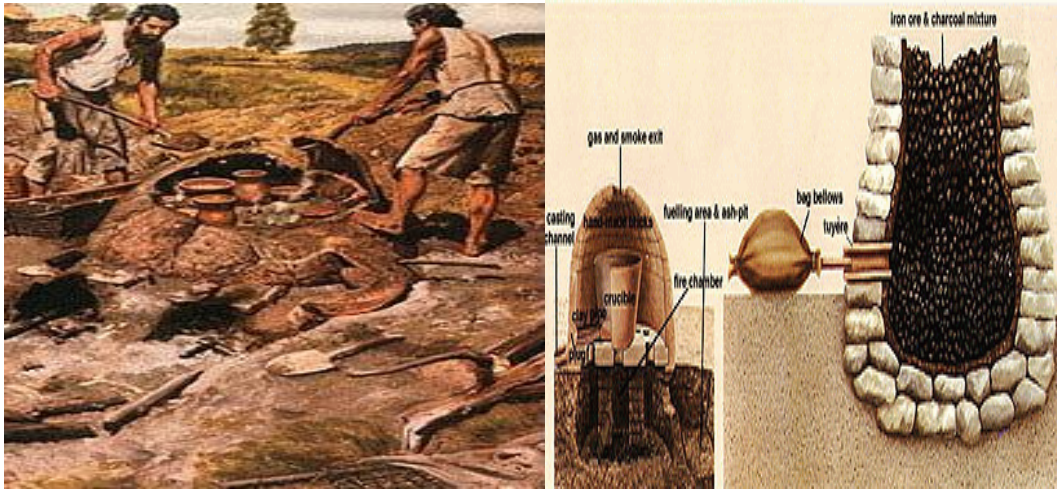
تخمیناً، در هزاره ششم قبل از میلاد در شرق نزدیک مینا لورژی (فلز کاری) بوجود آمد و انسان ساختن ابزار عادی، وسائیل ترئینی و سلاح را از فلز آموخت. از همین زمان قرن سنگی مس آغاز میگردد. انسان در پهلوی استفاده ای گسترده سنگ چقماق در اقتصاد، به تسخیر و بهره برداری آهن میپردازد. اما، ترویج فلز کاری ابتدایی بسیار بطی بود. اولین محصولات مسی قبل از هزاره سوم قبل از میلاد مسیح بوجود آمد.

7000 هفت هزار سال قبل، انسانها بطور فعال از مس برای ساختن تبرها، چاقوها و ابزار دیگر استفاده نمودند. مس مرحله بمرحله جاگزین سنگ شد. عصر مس را، دوره هزاره 3-4 قبل از میلاد عیسوی مینامند.

در پهلوی مس، انسانها فلزات قیمتی – طلا و نقره را استحصال نمودند. بدین گونه صنعت آهنگری، طلا و جواهرات بوجود آمد.

مس – عبارت از فلز است. او خیلی راحت تر و مناسبتر نسبت به سنگ است. از اثر ضربت شدید، تبر و یا کارد سنگی می شکست. اما، تبر و کارد مسی صرف خمیده و قات میگردد. ابزار سنگی شکسته بدور انداخته میشد. اما، اشیای مسی خمیده شده را راست و یا دوباره نوب مینمودند. خرده های فلز را نوب و در بین یک قالب گلی از قبل ساخته شده میریختند. زمانی که مس سرد میگردد، او را از قالب بیرون می آوردند. توسط همان یک قالب ابزار فراوان را میساختند. کیفیت ابزار های مسی نسبت به ابزارهای سنگی و استخوانی نهایت بهتر و عالیتر بود. سوزنها و سنجاقها نسبت به سوزنهای استخوانی بسیار مدام و مقاوم بود. تیغه های چاقو مسی بشدت تیز میگردد. حتی، از مس وسائیل مانند، مقراض، انبر دست، چکش و اهره را میساختند که تهیه آن از سنگ غیر ممکن بود.

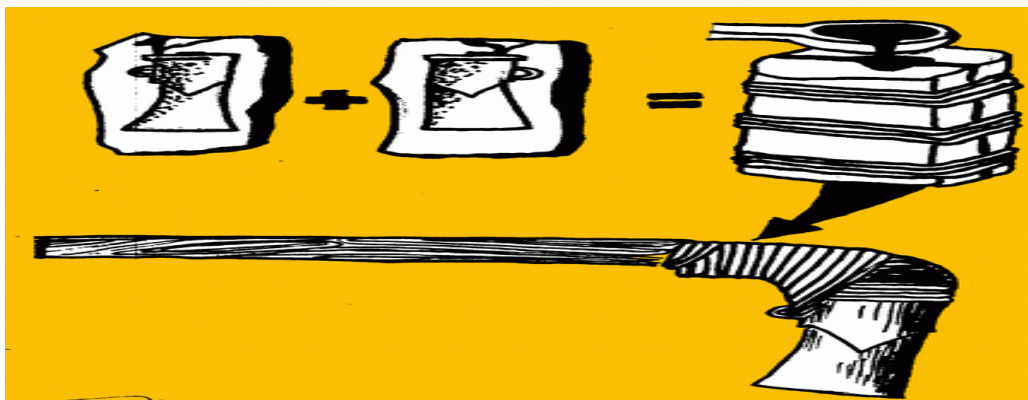
با رشد زندگی زراعتی ضرورت تبادل محصولات کار بین زمینداران، مالداران و صنعت گران بوجود آمد که منجر به رونق تجارت گردید. بعد ها، نخستین پول بوجود آمد. به عنوان پول قدیمی صدف، پوستهای حیوانات، نرگاوها، و غله جات عمل مینمود. اما، به عنوان پول مناسب ترین وسیله تبادل سکه ها و یا توتاه های فلزات – مس، نقره و طلا بود.



نقشه کوره ای ذوب مس و تصویر از ذوب گران بدوی

افزار کار قرن مس

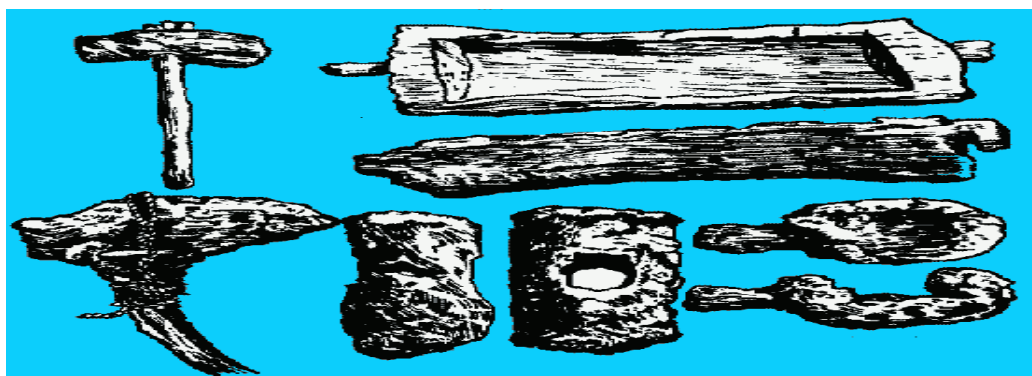
عالم مشهور بنام س. آ. سیمینوف تجربه ای را مورد آزمایش قرار داد که کاپی دقیق تبرهای سنگی و مسی باستان را آماده ساخت. تبر سنگی موفق گردید که در ظرف 15 دقیقه درخت کاج (صنوبر) را که دارای ضخامت 25 سانتی متر بود قطع نماید و تبر مس صرف در ظرف 5 دقیقه موفق به قطع آن گردید. و این آزمایش چندین بار عین نتایج را بار آورده.



تصویری از پروسه ساختن افزار مسی و چگونگی ذوب مس

مس در روی زمین نادر و کمیاب است. بهمین لحاظ، انسانها هر گرم مس را نگهداری مینمایند. واضحاً، شماری قلیل از افزارهای مسی نمیتوانستند تا به آخر افزارهای سنگی را عوض نمایند و آنرا از ریشه محو نمایند. کما فی السابق از سنگهای محکم، چاقوها و نوک پیکانها تهیه می گردید. اما، باز هم رول عمده را افزارهای مسی اجرا مینمود.

در کوهها، جائیکه سنگ معدن مس کشف میگردید، ساکنان محلی مرحله بمرحله به ماهران خوبی آهنگری مبدل میگردید. ایشان در زمینهای غیر حاصلخیز کمتر مصروف میگردیدند و بندرت به نسلگیری حیوانات میپرداختند. زیرا، چراگاهها از حد تهی بود. اما، آنها سنگهای معدنی گوناگون و غنی مانند: مس، حلبی و سرب را اختراع و به ذوب آنها میپرداختند. قبائیل همجوار با میل و علاقه وافر به تبادل گندم، حیوانات و سائیر کالاها با میله های آهن میپرداختند. صنعتگران (استاد کاران) آهنگری این اسرار و دانش را در نزد شان مخفی نگه میداشتند و برای بیگانگان افشاء نمیگردید. بهمین جهت، آنها بنام ساحران (جادو گران) و کسانیکه نزدیک بروح بودند مسمی بودند.



افزار کار معدنچیان معدن مس. (کشفیات باستان شناسان)

اختراع گاو آهن (سپار)

انسانها عمران زراعت را بهبود می بخشیدند. ایشان قدیمی ترین سپار را اختراع نمودند که مشابه به کج بیل بزرگ بود، گاوئر را به سپار مهار مینمود، بکمک او زمینهای سر سخت نرم و شخم کاری میگردید. مساحت زمینهای زراعتی روز بروز رو بوسعت بود که در نتیجه آن، در حاصلات افزایش بعمل میآمد و انسانها از گندم ذخائیر بزرگ را می ساختند.

تقسیم کار

اختراع و استفاده از فلزات در زندگی نیاکان اولیه ما، باعث تغییرات جدی گردید. قبلاً کارگران عمده و اساسی زمینهای زراعتی را زنان تشکیل میدادند که کج بیل هارا در دست داشتند. اما، برای زنان بسیار بعید بود که با بلوس و اسپار (یوغ و سوقمه) سنگین مقابله نمایند و از عهده این شغل کنار آیند. این مقام و شغل زنها را مردها عوض نمودند. کشت و زرع نمودن به شغل مردانه ای مبدل گردید. مزرعه

داران به احشام ضرورت داشتند که چرخه و اسپار به آن مهار گردد. آنها سعی مینمودند که نرگاوها و اسپهای قوی را انتخاب و با خود بگیرند، اگر خوراک برای احشام کفایت نمی کرد، از "ئی" زمینهای زراعتی تغذی می گردید.

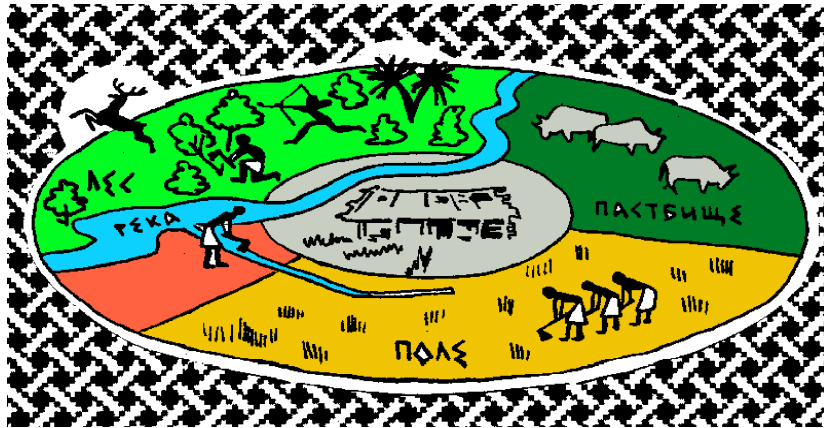
ولی، مرتب و مهیا ساختن زمینهای زراعتی و چراه گاهها و مواضبت از رمه ها کار دشواری بود. بهمین منظور، شماری از اعضای جوامع اشتراکی صرف در مالداری و شماری دیگری هم در کشت و زرع اشتغال داشتند. بدین گونه تقسیم کار و جدائی زمینداران از مالداری بوقوع پیوست.



تصویر ماهور(تپه) عصر مس در انگلستان

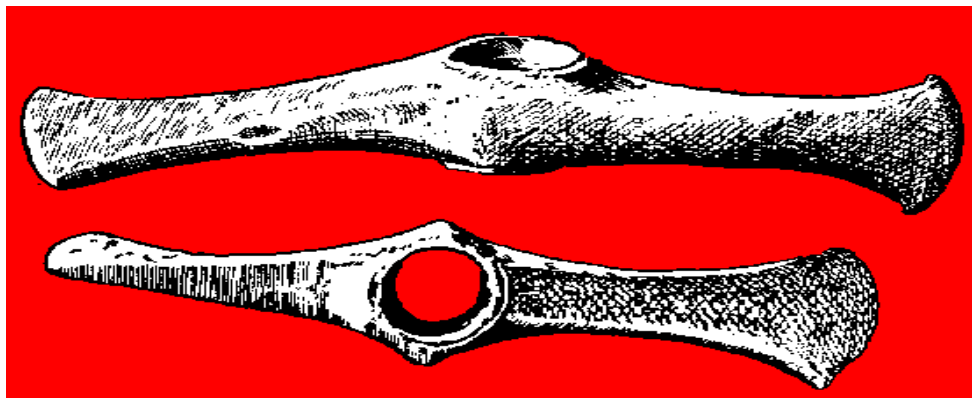
انجمن کشاورزان، دهکدههای را در لب رودخانه ها و دریاچه ها اعمار مینمود. کشاورزان در آنجا، در یک محل دهها سال زندگانی می نمودند. زمینهای زراعتی تهی میگردید و از بازدهی غنی و ثمربخش بازمیمانند. سپس، انسانها تغییر مکان مینمودند و دهکدههایی را در محل جدید ساختمان می کردند، زمینهای جدید زراعتی را تفکیک نموده و کشت و زرع می نمودند.

جوامع گله داران علفچرهای تازه و آبرای برای رمه ها جستجو مینمودند و همیشه در گردش بودند. شوبانان در خانه های روشن و از قبل تهیه دیده شده مانند:خیمه های چادری و خیمه های کروی بودوباش می نمودند. آنها برای همسایه های شان احشام تفویض می نمودند، پشم و چرم را برای مبادله می بردند و زمینداران در عوض گندم، مس و ترکاری میدادند. در آغاز، کوچیها و زمینداران با همدیگر مناسبات حسنه و دوستانه داشتند. اما، بعدها بین آنها عداوت و خصومت بر میافروخت. چونکه زمینداران به میدانهای زراعتی برای محصولات اشد ضرورت داشت، و برای مالداران داشتن چراگاهها از نیازمندیهای مبرم بود. مناقشه و جدل سر زمین آغار میگردید.



نقشه از ساحة تسلط اجتماع قبیلوی

برای آنکه معدن مس را کشف نمود و فلز را ذوب نمود، نیاز به تجربه و دانش بود. کارشناسان بطور متواتر در فکر اختراع فورم های جدید قالبگیری بودند و میاندیشیدند که چگونه افزار کار مستحکم تر و مناسب تر تهیه گردد که در آن مقدار مس کمتر مصرف گردد. زمانیکه ظروف را میساختند، بدقت ناظر آن بودند که کدام سفال را آسانتر خمیر نمود و چگونه او را طبخ کرد. اگر از او درست استفاده گردد، برای انسانها فائیده میرساند و برای زندگی تسهیلات بوجود میآورد.



افزار کار مسی . (کشفیات باستان شناسان در شهر پ.دونای Дунай (p).

زحمت و کار انسانها نسبت به قبل نتایج مثمر را ببار آورد. با طبرهای مسی بوته ها و درختان قطع و خرد میگردید، با داسها ئی و علفزارها درو میگردید. بالای زمینها آزاد، زمینهای زراعتی جدید مرتب میگردید. این زمینها بوسیله کج بیلهای نوکدار مسی بزودی در مدت و زمان بسیار اندک زرع و پردازش مییافت. بعد ها، کج بیلهای بزرگ ساخته شد، یک نفر او را کش مینمود و نفر دیگر او را فشار میداد تا اینکه زمین خوب شل و سست گردد. بدین گونه افزار جدید کار بوجود آمد که بنام (گاو آهنهای چوبی) یاد میگردید. بعداً در گاو آهن نرگاوها را مهار می نمودند. حالا دیگه، زمین را نه

تنها شل می نمودند، بلکه او را شخم میزدند. نیروی نرگاوها، وزن و شدت " یوغ " و "نوک تیزهای مسی" به محافظت و ذخایر قوت و نیروی کشاورزان مبادرت میورزید.



اسپار Coxa . تصویر از نقاش معاصر

س.آ.سمیونوف و همکاران وی زمین زراعتی هم مساحت را با کاپی دقیق کج بیل بدوی و بلوس (اسپار) زرع و کشت نمودند. ثابت ساختند که به کمک بلوس(اسپار) و نرگاو نسبت به کج بیل، زمین زراعتی را میتوان 50 مرتبه سریعتر کشت و زرع نمود. در حاصلات افزایش بعمل آمد، گرسنگی و فقر اجتماع را کمتر مورد تهدید قرار میداد.

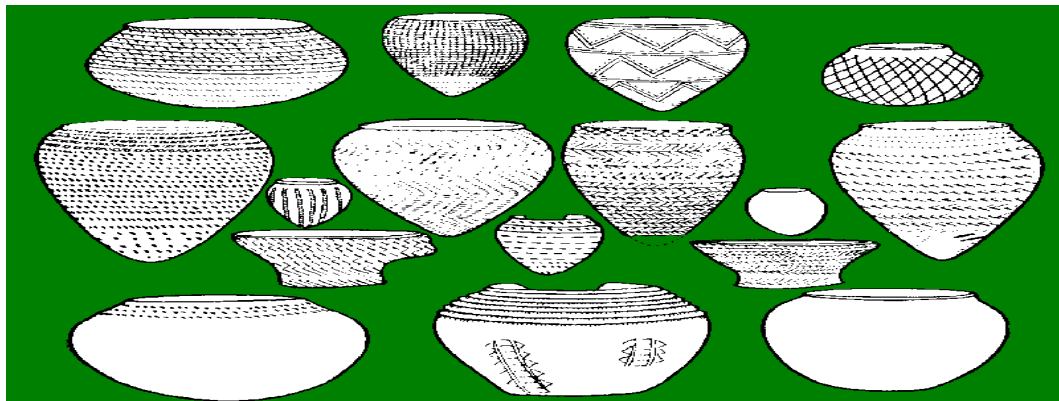
دامداران سایبریایی جنوبی

در هزاره سوم قبل از میلاد عیسوی، در سواحل رودخانه های اینیسی Yenisei و التایی Altae مالداران عصر مس جاگزین گردیده بودند. در اثر حفاری باستان شناسان در کوه آفانا سیفسکی واضح گردید که شبانان مرده های شانرا درچاه های بسیار عمیق، جائیکه مانند کلبه (کاشانه) از سیاهه ها اعمار گردیده بود، تدفین می نمودند. بام چنین "کلبه" یا کاشانه را از ورقه های سنگ و یا چوب می ساختند. بعد از آنکه قبر را پر میکردند و از تخته سنگها که علامت خورشید را نشان میداد، یک دائیره(حلقه) درست میکردند. بعداً در صدرآن یک تپه گگ می ساختند.

مالداران روستاهایی سایبریائی جنوبی بیسار فقیر و غریب بودند. این دهکدهها از کلبه های مخملی و گلی اعمار گردیده بود. و این قابل تعجب نیست. زیرا، رمه ها اکثر اوقات از یک محل به محل دیگر رانده می شد و چوپانان درخیمه ها بودوباش می نمودند. مقدار زیاد از افزار کار هنوز از استخوان و سنگ تهیه می گردید. اما، از مس سوزن، چاقو، دشنه(خنجر) و تبر میساختند.

بسیار جالب و شگفت انگیز است؟؟؟

مردم نهایت قال احترام در اجتماع، چوپانان و آهنگران بودند. یعنی، مردها. زنان مقام رهبری را آهسته آهسته از دست داده بودند، و به آنان اهمیت کمتر قائل بودند. رسم و رواج مروج گردیده بود که بعد از مرگ مرد، زن را یکجا با شوهرش در "برزخ یا عالم مرده ها" می فرستاد. زن را بالای قبر مرده به شهادت میرساند و یکجا با شوهرش تدفین مینمودند. ساکنان سایبریا مرحله بمرحله زمینداری را آموختند. اما مالداري کما فی السابق بحیث شغل عمده و اصلی آنها، پا بر جا بود.



ظروف قبائل فرهنگ افاناسیفسکی. (کشفیات باستانشناسی)



مقبره های عصر مسی در قفقاز



تصویر مقبره عصر مسی در پر تگال



اشیای کشف شده از مقبره ای عصر مس در تپه شهر مایکوپ



خانه روستائی قرن مس در یک جزیره. (تصویر از باستان شناسان)



درینجا، دهکده عصر مس استقرار داشته است. (عکاسی دانشمندان انگلیسی)



چرخ (گاری) دوران مس.

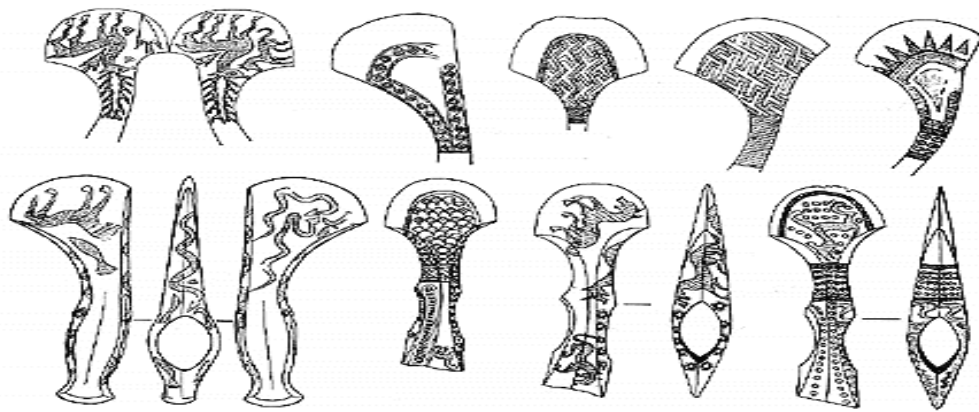
بوسیله لوازمات جدید، دهکدهها و چرخه های دستی مناسب را به سهولت اعمار مینمود. تخته های مستحکم و انعطاف پذیر بوسیله ای اره های ضخیم برش میگردید و آموخته بودند که از این تخته ها قایق های بزرگ را درست نمایند که از آن در رودخانه ها و در بحر نیز استفاده گردد.



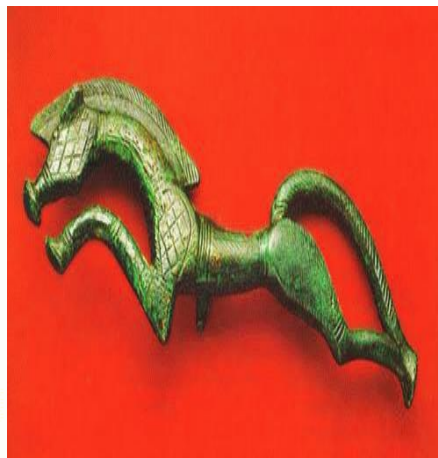
قائيق (ладья). تصوير از نقاش معاصر



معبد در قفقاز. (کشفیات باستان شناسان شوروی)



تزئین تبرهای عصر مس در قفقاز



محصولات کارشناسان عصر مس در قفقاز

زمانیکه انسانهای هند و اروپایی از بزرگترین رودخانه اروپای مرکزی و جنوبی بنام «دانوب» در سراسر جهان سرازیر میگردیدند، قبائل آریایی بطرف شرق حرکت نمودند، آنها در هزاره سوم قبل از میلاد عیسوی بین صحرا اولگا و دینیپر اقامت داشتند. اما ایشان مالداران بودند، نه کوچیها. گوسفندان و گاوها را در علفچرهای نزدیک رودخانه ها، در قرق (جای هموار) جا بجا می نمودند و از طرف شب در طبیله خانه ها میراندند. دهکدهها از خانه های گلی با بامهای رید(نی) اعمار میگردید.

چهار اطراف دهکده را خندق حفر مینمودند و سنگها را الی ارتفاع 3 متر سر هم میگذاشتند و یا به اصلاح دیگر دیوار سنگی بلند می نمودند.

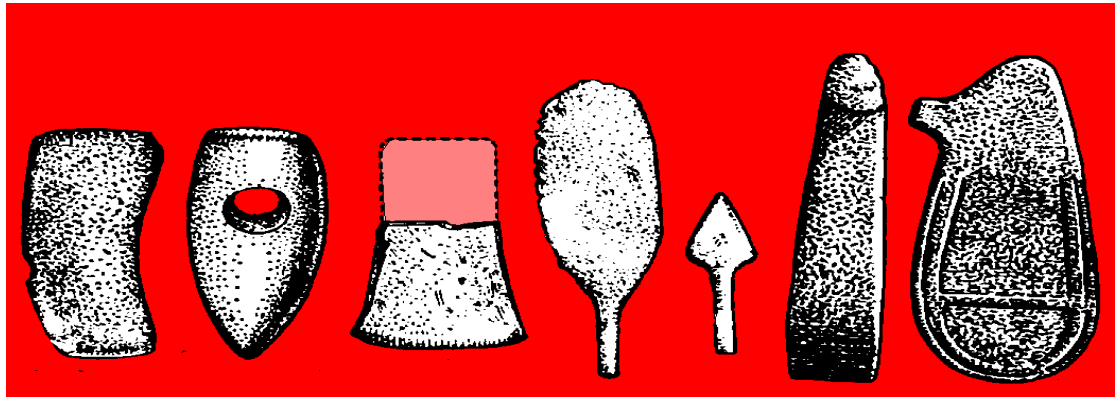
باستان شناسان، فرهنگ اجداد آریایی ها را بنام "آبا و اجداد من" نامیده اند. مرده ها را اکثراً در گودالهای عظیم ب خاک می سپردند، رنگ قرمیز ضخیم را پاش میدادند. بالای مقبره یک تپه گگ میساختند و تصویر از مار، عنکبوت و یا حیوانات خارق العاده را ترسیم مینمودند. اجداد آریاییها دارای عنعنات باستانی بودند، قوانین و مذهب آنها هندو و اروپایی بودند. اسپ ها و انسانها قربانی قوانین بی رحمانه مذهب می گردیدند. چندی قبل، باستان شناسان محل اسرار آمیز و دردناک را کشف نمودند که انسانها، در آنجا قربانی گردیده اند.

زمانیکه، اجداد آریاییها سواری بر اسپ را درست آموختند، آنها بندرت به کشاورزی می پرداختند و توجه زیاد را به مالداري مبذول می داشتند. اجتماع آنها بطرف شرق و صحرا ی آسیا توسعه و گسترش مییافت. آنجا، آنها بدو گروه تقسیم گردیدند. یک گروه بطرف هند و گروه دیگر بطرف کشور که بنام "سرزمین آریاییها" مسمی گردیده است، یعنی در ایران اسکان گزین شدند.

از عصر برنز به آهن

قدیمی ترین تمدن در عصر مس بوجود آمد. بعد ها، انسانها برنز را اختراع کردند. برنز نسبت به مس قویتر و سختتر بود، از آن سلاح، چاقو، سپر، تیغه، داس، گاو آهن و دیگر ابزارهای کار را می ساختند. همچنان از برنز برای ساختن ظروف لوکس، گلدانها، مجسمه ها و دیکاراسیون برای کاخها و معابد استفاده مینمودند. عصر برنز از ختم هزاره 4 قبل از میلاد عیسوی شروع و تخمیناً تا به اوسط هزاره اول قبل از میلادی ادامه می یابد.

از نیمه اول هزاره 1 قبل از میلاد، آهن جا گزین برنز گردید. انسانها از این کشف جدید میتال بگونه شائسته استقبال نمودند.



اسباب کار شناس "فرهنگ سفالی". (کشف باستان شناسان)



اسباب کار شناس "فرهنگ سفالی". کشفیات باستان شناسان



از کشفیات باستان شناسان شوروی در ترکمنستان



ظروف گیلی و پینی (سوزنی) فرهنگ گودالی باستان



ایین تدفین باستانی " فرهنگ گو دالی "

درسایت دانشنامه آریانا مراحل تکامل اقتصادی و مادی راچنین تقسیم بندی نموده است :

(پس از پایان آخرین عصریخ، مردم بزودی میآموزند که حیوانات را اهلی نموده و به زراعت بپردازند. اینرا بصورت عام بنام انقلاب نوسنگی مینامند . درنیمه هزاره ششم ق م، انواع غله جات دراکثر مناطق فلات ایران بشمول افغانستان کنونی کشت میشود. دراینوقت، سنگ هنوزماده عمده تولید وسایل است که با معرفی فلزات یعنی مس و برونز (برنج) تغیرخورده و باین ترتیب باستان شناسان غالبا بین عصر مس و متعاقبا عصربرونز تفاوت قابل میشوند، با وجودیکه چنین دوره بندی تا حدودی دلخواهانه (انتخابی) است. عصرمس در فلات ایران شامل دوره بین 5500 و 3000 ق م تخمین میشود. عصر برونز تا نیمه دوم هزاره دوم ق م ادامه مییابد که آغاز عصر آهن است.)

مهم ترین ساحه عصرمس و برونز شناخته شده تا کنون، مندیگک درجنوب افغانستان است. این ساحه حدود 35 کیلومتربطرف شمال غرب کندهارفعلی، بامتداد دریای کشک و نخود (یک شاخه دریای ارغنداب) واقع بوده و در1951 توسط یک باستان شناس فرانسوی کشف میشود. این ساحه دربرگیرنده یک موقعیت ستراتژیک بامتداد یکی ازمسیرهای است که سرزمینهای کوهستانی شمال را به جلگه های حاصل خیزو وسیع کندهاردرجنوب وصل میسازد. خود مرغ زارکندهار ایجادگر یک گرهگاه برای مسیرهای بین شرق و غرب است، چون درشمال توسط کوههای افغانستان مرکزی و درجنوب بواسطه دشت سوزان ریگستان محدود شده است (که بنام دهلیزاراکوزیا نامیده میشود). دراینجا دریاهای متعددی ازشمال شرق و شرق (بشمول ترنک و ارغستان) با دریای ارغنداب یکجا شده و پس ازحدود 130 کیلومتربطرف غرب با دریای هلمند یکجا میشود. ذخایرفراوان آب و موقعیت ستراتژیک، مرغزارکندهاررا بیکی ازمهمترین نواحی کشورتبدیل نموده و ساحه مندیگک نشاندهنده کهن ترین مسکونه دایمی شناخته شده تا کنون است.

کاوشگران مندیگک هفت دوره عمده را درآنجا تشخیص کرده اند که دوره های 1 الی 4 مربوط عصرمس و برونزاند. دوره بعدی 5 نشاندهنده یک کاهش سریع در وسعت مسکونه ها بوده و مربوط به اوایل هزاره دوم ق م است. دوره های 6 و 7 مربوط به عصر(پیشرفته) آهن بوده و دربرگیرنده کلالی (سفالی) است که با کاشی های یافت شده درمراحل یائینی نزدیک کندهارکهنه (مربوط به اوایل و نیمه هزاره اول ق م) قابل مقایسه است.)

شاد روان علی احمد کهزاد در اثرخویش « فروغ فرهنگ» درمورد دوره برونز (مفرغ) چنین مینویسد :

(در آغاز هزاره سوم ق.م. خانه سازی با گل و پخته در مندیگگ شروع شد (شبهه ئی نیست که در سوز ایران وجلگه بین النهرین عراق مراتب ساختن سر پناه از گل و حتی خشت خام قدامت دارد و به ۵- ۴ هزار سال ق.م. میرسد) یکنوع ظروف گلی بسیار بسیط و کلفت و خشن ایجاد کردند. از حوالی دونیم هزار ق.م. در مرحله سوم اشغال تپه آبادی با خشت خام که در آفتاب خشک میکردند، شروع شد. دیوارهای خشتی نمودار گردید، ظروف گلی نازک تر و خمیره آن بهتر شد. ادوات و افزار سنگ صیقلی بخصوص سرهای پیکان دنداندار بسیار ظریف از پارچه های سنگ چقماق که در کوههای «شاه مقصود» و «کشک نخود» به رنگهای قشنگ زرد و سرخ موجود است، میساختند. با این سرهای پیکان دنداندار سنگی صیقلی شده که بر سر تیرهای نی و چوبی می بستند، بسهولت حیوانات و مرغهای دشتی و پرندگانرا شکار میکردند. در همین وقت افزار مفرغی هم نمودار شد و نمونه های مانند کارد، چاقو، درفش، تبر و جوال دوز استخوانی هویدا گردید به نحوی که از مرحله سوم اشغال مندیگگ به بعد تا مرحله سیزدهم در تمام طبقات زندگانی آثار و شواهد آن مشهود است و به استناد آن میتوان گفت که دوره برونز (مفرغ) در سر زمین ما بسیار طولانی و در حدود سه هزار سال دوام کرده است. از مرحله چهارم آبادی به بعد از استخوان توله دست و پا و قبرغه حیوانات برای افزار سنگی و مفرغی خود دسته می ساختند که شواهد آن در موزه کابل موجود است. از نظر معماری و هنری در جریان هزاره دوم و هزاره اول ق.م. در زندگانی مردم در وادی ارغنداب و هیر مند تحول شایسته نمودار شد. از نظر آبادی نسبتاً بزرگ و یک دست با فیل پایه نماها ظاهر شده است.)

کشاورزی آسیای میانه

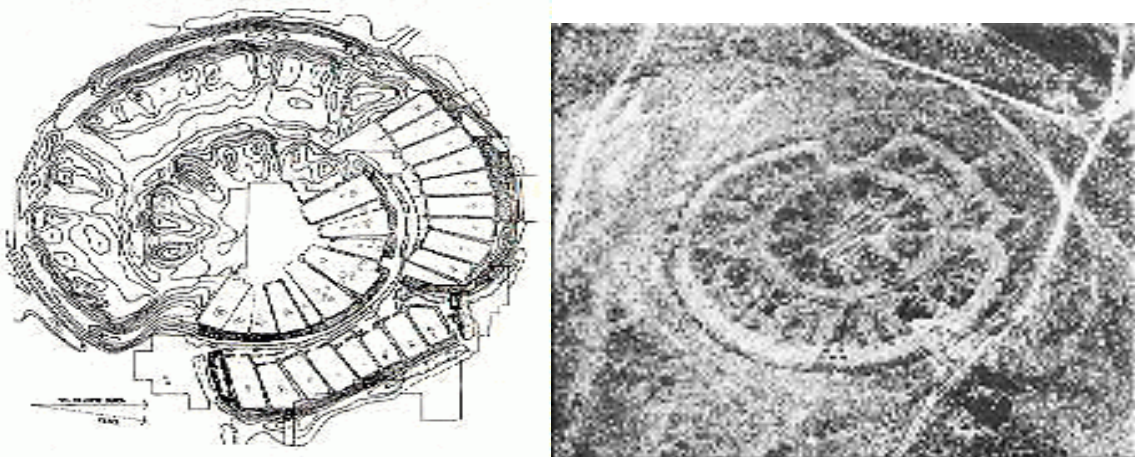
باستان شناسان، در جنوب آسیای میانه قدیمی ترین دهکدههای زمینداران را حفاری نمودند. و در نتیجه آن، واضح گردید که در آنجا، دو نوع مردم زندگی داشتند. هر کدام دارای عنعنات، زبان و مذهب جداگانه بود. زمینداری شغل اساسی ساکنین این کشورهای گرم سیر بود. اما طوفانهای بهاری سوزان بسیار سریع زمینهای حاصلخیز را خشک و می سوزاند. به همین جهت، مزارعین با کج بیل ها از رود خانه ها بطرف زمینهای زراعتی و گیاههای زراعتی کانال ها حفر مینمودند. در زمینهای زراعتی حاصلات خوبی جو و گندم نمو می نمود. در صحرا و نیمه صحرا اسپها، شترها و گوسفندان انبار میگردد.

روستاها کوچک بودند، برای ساختمان نمودن آنها چوب و سنگ مساعد و کافی وجود نداشت. اما مردم محل راه حل مشکلات را یافته بودند. مردم به جکاری نمودن خشتهای گلی آغاز نمودند، خشت را در

آفتاب خشک میکردند. کلبه گلی، در جاهای کم باران خدمت بزرگ را برای انسانها انجام میداد. زمینداران باستان اکثراً برای بچه ها مودل محل اقامت بازی و دوچرخه (گاری) حجاری می کردند. علما از روی اسباب و لوازم دریافتند که کدام تیپ از منازل و چرخ های دستی وجود داشته است.

از مس انواع گوناگون ا فزار کار می ساختند. بخصوص اشیای بسیار جالب، درهنگام حفاری دهکدههای آنای (Анау) و حمازگ(1)Намазга در دسترس باستان شناسان قرار گرفت. اشیای ذیل بودند: کاردها، تبرها، پین ها(سوزنها) و دشنه (خنجر).

برای آنکه مناسب و آرام کار نمود، بعضی اوقات، کارشناسان بطور مشترک در یک دهکده جداگانه مسکن گزین میگردیدند. چندی قبل باستان شناسان یک قریه را در اورال بنام "آرکائیم" Аркаим حفاری نمودند و این بمنابۀ یک کشف بزرگ باستان شناسی بحساب میروید. اندازه ومساحت دهکده باعث شگفت و حیرت علما گردید. او از دهها روستا و مراکز تحقیقاتی و آموزشی تشکیل گردیده بود.



تصویر از شهر "آرکائیم" Аркаим

درین شهر، سالهای طولانی کار جریان داشت. درینجا، صنعتگران از راه های دور بخاطر آهن و محصولات سفر مینمودند. اما ثروت، ترقی و تعالی این صنعتگران روستاها مربوط به ذخائیر معدنی بود. زمانیکه این ذخائیر از هسته ای کوهها تخلیه گردید، ساکنن مرحله بمرحله دهکده را ترک نمودند و پاشان گردیدند. قصبه ها تخریب گردید و حتی نام محل، یک زمانی آهنگران در آنجا زحمت کشیده بودند، از خاطره ها پاک گردید.

علما ثابت ساختند که راه‌های خاص تجارتي کشف گرديده است که در آن زمينداران و مالداران آسيا آهن را انتقال مي‌دادند. مثلاً قبائيل "فرهنگ آفاناسيفسکي" که قبلاً درباره آنها اشاره گرديد، مس را از کوه‌های آلتايي بدست مي‌آوردند و زمينداران محنت کش آسيای ميانه در ايران او را تبادل می نمودند.

اجداد و نياکان ما فلزات ديگري مانند طلا و نقره را نيز اختراع نمودند که ناياب تر است. بر علاوه اين فلزات بسيار سنگين و نرم است. بهمين لحاظ، اين فلزات برای ساختن افزار کار مساعد نيست.

نهایت جالب است.. چگونه زمين را اندازه گيري مینمودند؟

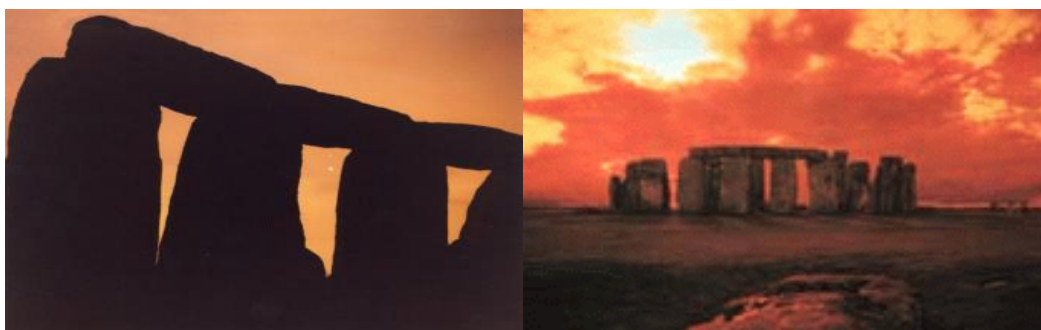
انسانها زمين را به طول و عرض بوسيله قدم ها اندازه گيري مینمود. اما، قدمهای انسانها یک سان نيستند. در آزمان عده زيادی از قبائيل درازی را با دستها اندازه گيري ميکردند، و برای آنها واحد اندازه گيري "آرنج" بشمار ميرفت. در انگلستان تا به اکنون مسافه را توسط فوت اندازه گيري می نمايد. کلمه فوت درازی پاهای انسان بالغ را معنی ميدهد که تقريباً 25 سانتی متر است.

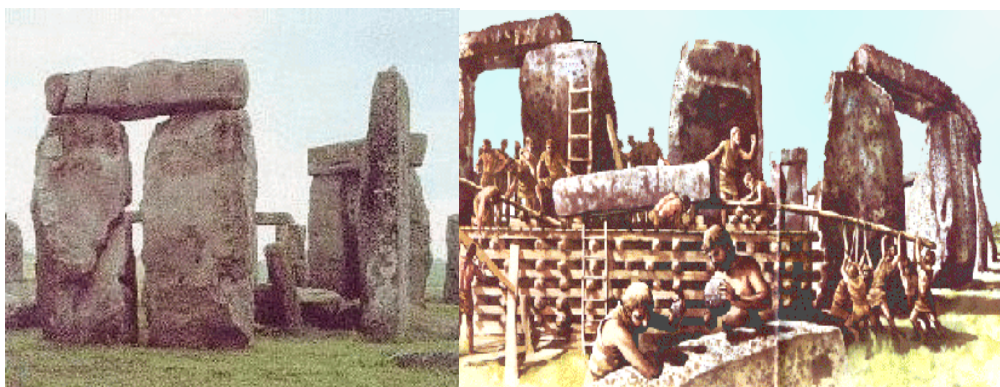
انسانهای نياندرتاليها ميتوانستند حاصلات را تقسيم نمايند. آنها درک ميکردند که یک جنس کامل وجود دارد و جنس از بخش وجود دارد. حاصل(توليد) را به قسمت ها(قطعه ها) تقسيم ميکردند، آنها شمار کردن را نياموخته بودند، اما درک می نمودند که "یک"، "زياد"، "هيچ چيزی" وجود دارد. انسانهای فهميده و صاحب عقل حساب را ايجاد کرده بودند که در هنگام حساب کردن، آنها از سنگچيل ها و انگشتان کار ميگيرفتند. ما ارقامهای بدوی رومی I,II,III را بخاطر داريم. اين ارقام، انگشتان با لا شده را انعکاس ميدهد. در دو دست ده انگشت وجود دارد. به همين دليل است که بشريت از عمق باستان شمار "ده" را می شناسند. انسانها بعداً تفريق کردن و جمع کردن را آموختند.

انسانها از قديم نه تنها زمين را بلکه ستاره های آسمان را نيز اندازه گيري مینمودند. در باستان برای ستاره‌های زياد و گروهی از ستاره گان نامهایی را گذاشته بودند: دب اکبر(خرس بزرگ)، کهکشان. ساکنان اوليه انگلستان از بلوک های بزرگ سنگ، حلقه عظيمی را اعمار نموده بودند. در لحظه حاضر اين ساختمان را بنام استون هنج (Стоунхендж) مينامند.

هر کی در اوسط حلقه سنگی استاده شود و به طرف آسمان ترسپ نمايد، ميتواند با دقت قابل ملاحظه تاريخ هر روز را حساب نمايد. اگر اسرار و سحر اين ساختمان را بداند. کشيشان(ستاره شناسان) از آنجا بطرف آفتاب، مهتاب و ستاره گان ترسپ مینمودند، ميشمردند که یک سال 365 روز است و یک

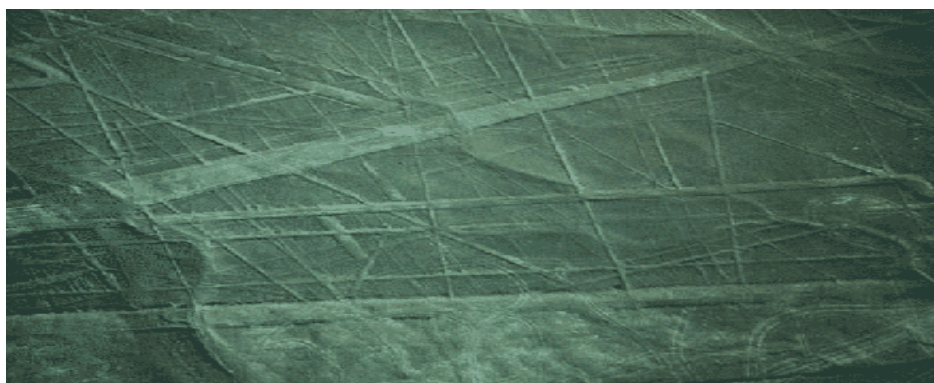
سال 12 ماه است. زمانیکه باستان شناسان به اسرار شگفت انگیز این ساختمان پی بردند، آنها از دقت و درستی دانشهای اولیه (بدوی) مات و مبهوت ماندند.





تصویرهای از ساختمان استون خنج. (تصاویر از نقاشان معاصر)

همچنان سرخ پوستان امریکایی، در صحرای نازکا چنان تقویم عظیم را از سنگ ساخته بودند که دانشمندان حیرت زده، از مزاق و مسخره او را " بر خاستگاه میدان هوایی " نامیده بودند.



تصویر از صحرای نازکا. عکاسی هوایی

دانش و اسطوره

آگاهی انسان اولیه کامل نبود. انسانها محاسبه مینمودند که یک سال 365 روز است، اما نمی دانستند که چرا کم و زیاد است. زمینداران درک مینمودند زمانیکه رودخانه کم آب و یا خرده میگردید، اما برای آنها قابل درک نبودند که چرا آب جاری میگردد. تمام چیزهائیکه برای ایشان آشکارا بود، از اراده خدایان میدانستند. آفتاب را چشم خداوند، باران را اشکهای خداوند و رعد و برق را تیر کمان خداوند می نامیدند. دانستنی های مفید در اسطوره با افسانه ها و داستانها ارتباط بسیار نزدیک داشت و با هم خلط گردیده بود که تفکیک آن بسیار بعید بود. در نقشه ها در پهلوی کشورهای موجوده، نقشه ای " کشور مردهها"، " کوه خدایان" ویا "تصاحب روح شیطان" را ترسیم مینمودند. کاهنان مناجاتهای عاری از فائیده را در مورد صحتمندی مریض یکجا با دواهای طبابت بر ضد امراض مورد اجرا قرار میدادند.

انسانها نمی توانستند دانشهای خویش را نوشته نمایند و آنها را بشکل شفاهی در قیافه ای افسانه، ترانه و قصه ها میآموختند.

در عصر مس، اسطوره کما فی السابق بمتابه ای یکی از انواع دانشهای بشری پا بر جا باقی مانده بود.

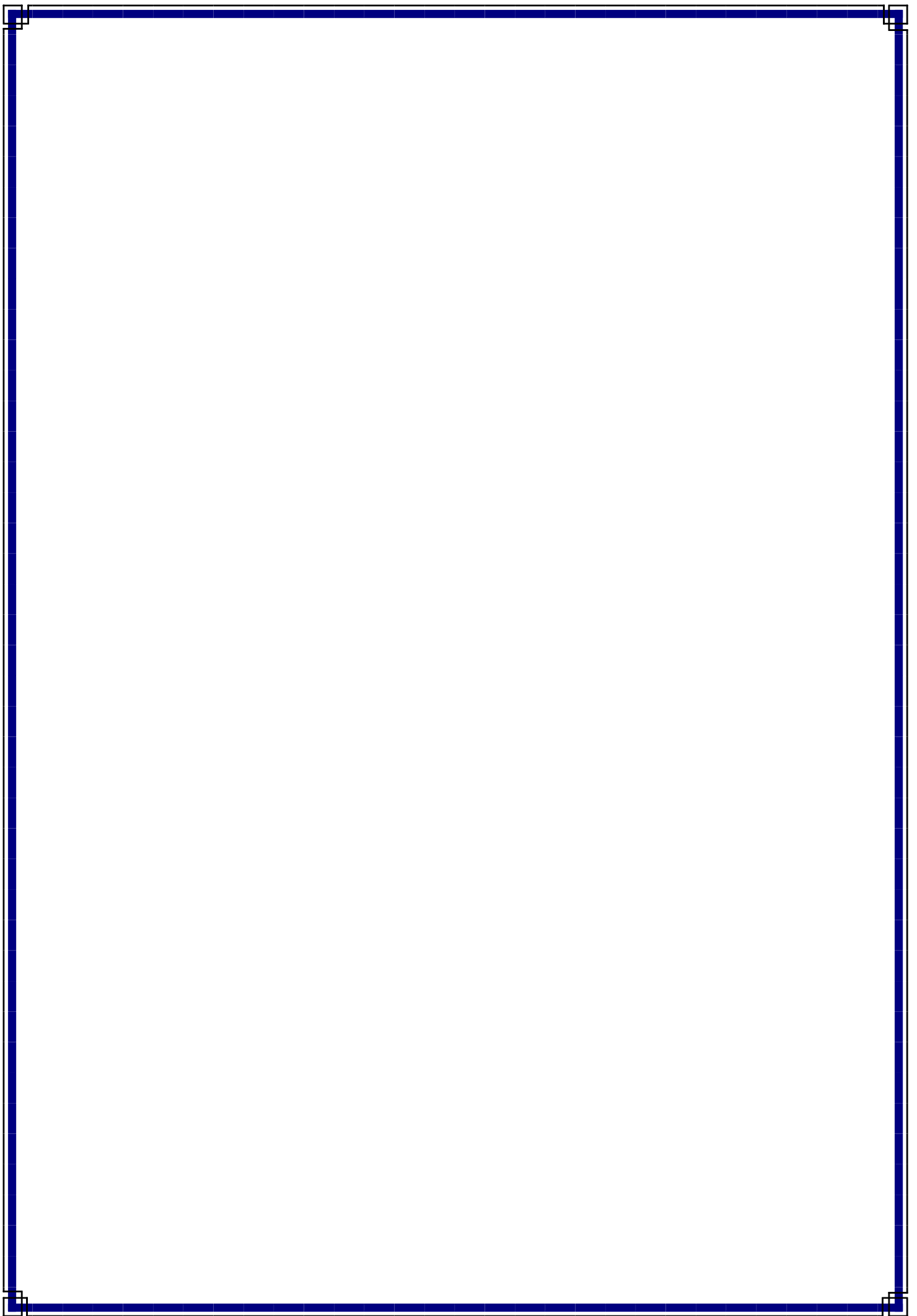


اسرار این ساختمانها هنوز هم توسط باستان شناسان انگلیسی حل و فصل نگردیده است.

میر محمد غبار مورخ مشهور کشور در اثر خویش " افغانستان در مسیر تاریخ " در مورد اسطوره چنین بیان می نماید:

(در هر حال قصه ها و اسطوره ها از یک گذشته بسیار دور افغانستان حکایت می کند که در تاریخ های ماضی و شهنامه از آن ذکر شده است. قصه مشهورتر آنها داستان (ازی دهاکا یا ضحاک ماران) یعنی پادشاه چند هزار سال پیشتر سامی بین النهرین است که گویا از راه ایران به افغانستان تاخته، دولت پیشدادی یا پارادات های افغانستان را در پایتختش بلخ سقوط داده است و جمشید یا (یا ما) پادشاه بلخ تاج خود را از دست داد، تا شاه دیگر پیشدادی (فریدون یا تری تونا) قیام کرد و در بین النهرین عسکر کشید و ضحاک را بکوفت.

همچنین داستان (نینوس) پادشاه آثوری حاکی ان است که او از راه ایران و ارمنستان به افغانستان) در هزاره اول قبل از میلاد) تاخته و بلخ را فتح کرده است. شهنامه ها از سلسله دولت های قدیم افغانستان بنام پیشدادی و کیانی (کوانی) و اسپه ها داستانهای بزرگ رزمی را بوجود آوردند. در هر حال در طی همین تحولات اجتماعی بود که مردم افغانستان از مرحله اساطیری و عناصر پرستی و میتا لوژی عبور کرده و بمرحله مذهبی تکامل نموده است. نتیجه این تکامل در هزاره اول قبل از میلاد، دریکی از قدیمترین کتابهای جهان (اویستا) بظهور رسید.)



اسطوره چیست؟؟؟

اسطوره انعکاس حقایقی است که قرن‌های پیش، این حقایق واقعیت داشتند و انعکاس این واقعیت‌ها از نسل به نسلی انتقال یافته است. یاد آن واقعیت‌ها با اضافات احساسها، عاطفه‌ها و علاقه‌ها در ابعاد مختلف خویش از سوی نسل‌ها در ادبیات بنام اسطوره یاد میشود و هم اسطوره نماد از زندگی دوران از دانش و صفت و نشان مشخص روزگاران باستان است. تحول اساطیری هر قوم معرف تحول شکل زندگی، دگرگونی ساختار اجتماعی و تحول اندیشه و دانش است. در واقع اسطوره نشانگر یک دگرگونی بنیادی در پوشش بالا رونده ذهن بشری است. اساطیر روایات است که از طبیعت ذهن انسان بدوی ریشه می‌گیرد و برآمده از رابط دوسویه این دو است.

در سایت «اصالت» در باره اسطوره چنین آمده است:

(واژه اسطوره در اولین معنایی که در يك عقل عرفی به ذهن آدمی می‌رسد نوعی نظام فکری است که جوامع اولیه انسانی برای یافتن پاسخ‌های خود به آن رجوع می‌کردند. انسان‌های اولیه و تمدن‌های ابتدایی برای فهمیدن علت‌های انسانی و خصوصاً طبیعی به هر آنچه حالت رمزگونه داشت رجوع می‌کردند و برایش قصه می‌ساختند و در پرتو این نوع نگاه بر اطراف خود نام می‌گذاشتند و می‌توانستند برای خود امنیت فکری دست و پا کنند. آنان به خورشید و ماه و ستارگان و آتش و سنگ و بت و چوب و آب و جن و فرشته و پری و... لقب خدا می‌دادند. برای آنها رابطه می‌ساختند و این نه تنها نمود ذهنی که نمود عینی خود را نیز در قالب دعا و نیایش و قربانی و ذکر به دست می‌آورد.

اسطوره‌شناسی دانشی است که به بررسی روابط میان افسانه‌ها، و جایگاه آنها در دنیای امروز می‌پردازد. اسطوره نماد زندگی دوران پیش از دانش و صفت و نشان مشخص روزگاران باستان است. تحول اساطیر هر قوم، معرف تحول شکل زندگی، دگرگونی ساختارهای اجتماعی و تحول اندیشه و دانش است. در واقع، اسطوره، نشانگر یک دگرگونی بنیادی در پوشش بالا رونده ذهن بشری است. اساطیر، روایاتی است که از طبیعت و ذهن انسان بدوی ریشه می‌گیرد، و برآمده از رابطه دوسویه این دو است.



اسطوره داستانی است که معمولاً به بحث درباره ی آغاز یا فرجام آفرینش یا تاریخ می پردازد و مجموعه ی به هم پیوسته ای از این داستانها «فرهنگ اساطیری» یک ملت را می سازند. بسیاری از اساطیر بیانگر اشکال دگرگون شده ی ادیان یا آیینهای باستانی هستند. حماسه اما برخلاف اسطوره لزوماً درباره ی آغاز تاریخ آفرینش یا فرجام آن نیست و قهرمانان آن گرچه گاهی از وجهی ماوراء طبیعی برخوردارند، خدا یا فرزند خدایان نیستند. آنها مدت محدودی زندگی می کنند و پس از انجام اعمال شگفت آور سرانجام مرگشان فرا می رسد. البته بسیاری از حماسه ها ریشه در اساطیر دارند که به نوعی عرفی و دنیوی شده اند. لذا حماسه ها معمولاً به دوران متاخرتر برمی گردند. (

ادامه دارد . . .

منابع :

A.A.Горелов

полный курс

Культурология В Вопросы и ответах

За три ДНЯ

Если хочешь сэкономить время-это книга для тебя

30, 29, стр

درس کامل -

آ.آگوریوف

مطالعات فرهنگی (کلتورولوژی): پرسش و پاسخ

در طول سه روز

اگر می خواهید به وقت صرفه جویی نمائید، این کتاب برای شما مناسب است

صفحات: 30، 29

В.А.Соколов
Культурология(Шпаргалки)Для студентов ВУЗОВ
2008 .Растов-на-Дону

46 ،44 стр.(Раздел.певобытня култура)

- کلتورولوژی برای متعلمین موسسات تحصیلات عالی "دزدی ادبی(نقل کردن)"
بخش. فرهنگ اولیه.ص، 44 ،46
نوشته: ب.آ.سک洛夫 سال 2008

Матюшин Г.Н. Археологический словарь. - М.: Просвещение: АО "Учеб. лит.", 1996. -

304 с.: ил. ISBN 5-09-004958-0.

- لغاتنامهء باستان شناسی. مؤلف گ. ن. ماتیوشین. سال 1996.ص.304

- کتاب درسی پوهنتون دولتی مسکوینام م.ف. لوموسوف.فاکولته تاریخ.شعبه "باستان شناسی" سال 2011

МОСКОВСКИЙ ГОСУДАРСТВЕННЫЙ УНИВЕРСИТЕТ
имени М.В. ЛОМОНОСОВА
ИСТОРИЧЕСКИЙ ФАКУЛЬТЕТ
АРХЕОЛОГИЯ

на историческом факультете

программы учебных курсов

Под редакцией

академика РАН, проф. В.Л. Янина и доц. А.Р. Канторовича

Допущено УМО по классическому университетскому

образованию в качестве учебного пособия

для студентов высших учебных заведений, обучающихся

по направлению подготовки ВПО 030600 «История»

2011Москва

- سایتهای انترنیتی در مورد انسانها ی باستان به لسان روسی

- عبدالحی حبیبی " سهم افغانستان در انتقال فرهنگ آسیای میانه" فصل اول.دوره ماقبل آریائیها.

- علی احمد کهزاد« فروغ فرهنگ»

- مير محمد غبار «افغانستان در مسير تاريخ. فصل دوم. افغانستان از گذشته دور تا قرن 6 قبل از ميلاد» (ص. ۳۲، 34، 35)

- كتاب نام و ننگ. تولد دوباره خراسان كهن در هزاره نويامقدمهء دكتور مسعود ميرشفاهي نوشته سلیمان راوش (كتاب پيشين، شاهنامه، ص ۱۱-۱۲)، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۲-۳۶

- شمشاد (اسطوره رستم و اسفنديار) سايت «اصالت»

- سايت دانشنامه آريانا

آدرس پستي :

zaherdaqiq@gmail.com

[zdaqiq@facebook.com](https://www.facebook.com/zdaqiq)

مورخ 24-09-2011

ظاهر دقيق - هاند